

## بنام خداوند آزادی و رستگاری

(موقعیت ما! در کجا قرار داریم؟)

آنچه این قلم را وادار ساخت تا در شرایط کنونی که کشور ما افغانستان مرحله حساس تاریخی را طی یک آزمون مشکل به آزمایش گرفته است، که همانا موضوع خروج نیروهای بین المللی و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در صدر همه مسائل قرار دارد.

بدون شک نگرش ها و ارزیابی ها از نتایج حاصله درین مورد میتواند به امید ها و نگرانی های هموطنان بیفزاید و چگونگی مدیریت این مسئله نیازمند بحث های عمیق و همه جانبه در تمام شئون و عرصه های زنده گی مردم را می طلبد.

متذکر میگردم که: از آنچه نتایج حصول این مرحله گذار چه خواهد بود؟ با کمال اطمینان خوشبین ام و آرزومندم که افغانها میتوانند و درایت آنرا دارند که امنیت و ثبات سیاسی را تأمین خواهند کرد. فقط میخوام متذکر گردم که نهادینه ساختن دست آورد های حد اقلی بدست آمده، نیاز به کار مستمر فرهنگی- سیاسی و مهمتر از همه متعهدانه و مسئولانه را می طلبد. امیدوارم روزی مردمان سرزمین من به این آرزوی تاریخی شان نایل آیند.

مهمتر از همه آنچه مرا ب فکر وادار ساخت تا نکاتی را بحیث دیدگاه و نظریات خویش در باره چگونگی زنده گی کردن افغانهای مقیم مسکو و فدراتیف روسیه ذکر نمایم اینست که:

- 1- عده در دید و بازدید های خویش با شخصیت ها و نهاد های اجتماعی- سیاسی فدراتیف روسیه، نظریات و دیدگاه های خویشرا تحت نام اتحادیه ها و سازمانهای خود ساخته از آدرس جمعی افغانهای مقیم فدراتیف روسیه ابراز داشته و میدارند. در بسا موارد حتی ادعای راجع به توانمندی تغییر نظام سیاسی در افغانستان را مینمایند.
- 2- حرکت های صورت گرفته و میگردد که گویا برای تأمین و حدت و یکپارچگی افغانها ضرورت و نیاز است، بدون اینکه این ضرورت و نیاز بحیث نیاز مبرم تاریخی افغانها با فکر عمیق تحلیل و ارزیابی گردد و علت یابی چند پارچه گی افغانها آسیب شناسی شود، دست به اقدام های احساساتی و تحریک گونه میزنند.
- 3- پس منظر این اقدامات و حرکات برای جامعه ما بصورت کل و برای افغانهای مقیم فدراتیف روسیه بصورت مشخص چه خواهد بود؟

باورمندم که با بررسی دقیق این موضوعات، مفاهمه و گفتمان سیاسی- اجتماعی به یک مجرای دقیق و هدفمند تبدیل گردیده که از طریق آن، هم فرهنگ سیاسی ما توسعه یافته و هم زمینه های عمل برای اجماع ملی به منظور حرکت مشترک ملی میسر میگردد.

بدون شک مهاجرت افغانها در فدراتیف روسیه و سایر کشورها بنا بر موجودیت جنگ خانمانسوز و ناامنی (که خود علت و عوامل گوناگون دارد) بالای افغانها تحمیل گردیده است، و یکی از پیامد های

ناگوار این جنگ در فکر افغانها شکل گیری ذهنیت منفی است که عامل عمده بحران (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و از همه مهمتر بحران عدم اعتماد) بوده است.

بدون شک پیدایش این تفکر در چگونگی و نحوه عملکرد ما افغانها نقش قابل ملاحظه و تعیین کننده را در بی ثباتی و تفرقه اجتماعی داشته است، که افغانهای مقیم فدراسیون روسیه و اخصاً مسکو مستثنی ازین قاعده نبوده و نمیتوانند باشند.

با حاکم بودن چنین فضای فکری و درک این مطلب عده عناصر استفاده جوو فرصت طلب دقیقاً دریافتند که دیگر در مسایل سیاسی و اجتماعی افغانستان زمان طالبان و پسا طالبانیزیم نمیتوانند نقش را ایفا نمایند، در تلاش آن شدند تا با استفاده از شیوه های مکرر و حيله های سیاسی و سوء استفاده از فضای حاکم فکری بین افغانها اهداف و مقاصد خویش را که همانا انحصار قدرت اقتصادی است، دست بکار شوند.

شاید نزد بعضی ها سوال پیدا شود که این منابع اقتصادی کدام ها اند و آنها چگونه دست به انحصار آن زده اند؟

اینک مختصراً درین باره می پردازم:

#### 1- هوتل سیوستوپول (مرکز تجمع کاری بخشی از افغانها):

الف: در سال 1996 با رونق گرفتن کسب و کار عده از افغانها، این هوتل حیثیت مرکز تجمع کاری افغانها را بخود گرفت.

ب: با در نظر داشت فضای حاکم فکری بین افغانها و حوادث که (من آنرا فاجعه ملی-سیاسی میدانم) در افغانستان گذشته بود، عده از عناصر معلوم الحال با سازماندهی جلسات، فکر ایجاد نهاد اجتماعی افغانها را در میان گذاشتند (در حقیقت خواست اکثریت افغانها بوده ولی آنها نمیدانستند که این نهاد در نهایت به یک مرجع باج گیری از افغانها تبدیل میشود).

معلوم است که این عناصر با تحریک احساسات نا مشروع قومی دریک زدوبند نا مشروع این نهاد را قبضه کردند.

ج: سوال شاید بمیان آید؛ مرکز ایجاد شده باعث رونق کار افغانها شده؟ آنگونه که در بعضی محافل و مجالس نیز یاد میکنند و آنرا کارنامه شان بحیث شاهکار خدمت شان نشان میدهند. باید متذکر گردید که رونق گرفتن کار تجارتي افغانها هیچ نوع ارتباط به این شاهکاری های خود ساخته نداشته بلکه زاده شرایط دیگری است که نیاز بازار روسیه به اقلام وارداتی افغانها و فراهم ساختن شرایط نسبتاً بهتر و برخورد دوستانه مقامات فدراتیف روسیه در رابطه به افغانها میباشد، و گرنه حوادث پیش آمده در هوتل طی سال های گذشته مؤید آن است که کی ها بهره برده اند؟

سوال دیگر مطرح میگردد که هوتل ملکیت شخصی افراد بوده ما هیچگونه قدرت انحصاری را درینجا تحمیل نکرده ایم.

متذکر باید شد که بدون شک هتل ملکیت شخصی روس ها است، اما آنچه مسلم است، اینست که هتل بحیث مرکز تجمع کاری افغانها شرایط خاص برای حق استفاده تجارتي دارد و این حق استفاده تجارتي مربوط همه افغانها بوده نه مال شخصی افراد. بناً باید این منابع طی یک میکانیزم سالم برای علاج دردهای گوناگون افغانها مورد استفاده قرار گیرد، زیرا اجاره داران هتل از توان و دارائی خویش نه بلکه از هویت جمعی افغانها سو استفاده را برده ومی برند.

2- دولت فدراتیف روسیه برای حمایت از افغانهای مهاجر که از عواقب عملکرد های جنگ سرد در افغانستان متضرر شده اند، مسئله چگونگی اسناد اقامت را طی فرمانی در سال 1993 برای ارگانهای ذیربط از طریق تعیین سهمیه سالانه اجرائی ساخت، با کمال تأسف این سهمیه نیز توسط اشخاص و افراد با ساختن نهاد ها و اتحادیه ها به یغما برده شده و توزیع آن نه برای مستحقین بلکه از مجرا های نادرست بفروش رسیده و عواید حاصله به حساب ها و جیب های افراد معین سرازیر شد. (اسناد و مدارک لازم در زمینه وجود دارد، در صورت ضرورت بدسترس هموطنان قرار خواهد گرفت.)

3- دولت فدراتیف روسیه با احساس انساندوستی که دارد برای حل معضله تعلیم و تحصیل افغانها نیز سالانه سهمیه بورس های تحصیلی را در نظر گرفته و از سال 2008 میلادی به اجرا گذاشته است. دیده میشود که این حق مسلم افغانها نیز توسط افراد معلوم الحال برای مستحقین نرسیده و آنها با ایجاد موانع ازین موقع سو استفاده را برده و جهت شامل ساختن فرزندان این کشور به مراکز تحصیلی فدراتیف روسیه پول های گزاف را اخذ نموده اند و مطالبه هم دارند.

متیقن هستم که در چنین شرایط و فضا این عناصر بار دیگر میخواهند تا با راه اندازی و دادن شعار ها یک بار دیگر دست به فریب و نیرنگ زده و به اهداف آتی دست یابند.

چون فضای حاکم در شرایط فعلی بطرف تفاهم و مفاهمه برای دسترسی به زنده گی بهتر و رهائی از رنج ها و مصیبت های گذشته تاریخی پیش میرود. ایشان نیز با دادن شعار های اتحاد و یکپارچگی (ایجاد شورای موسفیدان و بزرگان قومی، ایجاد شورای هم آهنگی، ایجاد بورد متخصصین، سازمان فراگیر و غیره...) را بمیان آورده اند، تا باشد از یکطرف موجودیت خویش را در بین افغانها از مشروعیت برخوردار سازند و از طرف دیگر سو استفاده های خودشان را بیو شانند و مهمتر از همه بار دیگر بر مقدرات همه افغانها حاکم شوند. مدعی بنده از اظهارات شان در رابطه به توانمندی شان برای تغییر نظام در افغانستان است (چنانچه هموطنان اخبار آنرا در سایت های جریده پژواک، بی بی سی فارسی، افغانستان رو مطالعه نموده اند).

برای بیرون رفت ازین معضله چه باید کرد؟

1- اعتراض همگانی و مسالمت آمیز در انترنت، سایت های اجتماعی، نشرات و غیره در رابطه به این که نهاد های خود ساخته و افراد معلوم الحال نمیوانند نماینده تمام افغانها باشند، صورت گیرد.

- 2- از هر طریق ممکن باید برای مراجع، نهاد های رسمی و دولتی روسیه، اشخاص با نفوس و صاحب نظر از برخوردها، عملکرد ها و عواقب ناشی آن برای شان گوشزد شود.
- 3- در صورت ادامه کمک های دولت فدراتیف روسیه در زمینه اقامت و تحصیل باید میکانیزم ایجاد گردد که اولاً این کمک ها برای مستحقین توزیع گردد، ثانیاً در صورت منبع عایداتی ازین مدارک، میکانیزم عواید و مصرف باید دقیق طرح و بعد از قبولی افغانها اجرایی گردد.
- 4- وحدت و یکپارچگی افغانها ضامن پیروزی همه ما خواهد بود. بهتر خواهد بود تا اعتماد بحیث یک ارزش اجتماعی از طریق پروسه گفتمان در همه عرصه های زنده گی بطور مستمر و دوامدار صورت گیرد، تا از طریق آن بتوانیم زمینه های عمل سهم گیری خود و هموطنان را برای تعیین سرنوشت همه ما با یک فکر مشترک و حرکت مشترک مساعد سازیم.

با احترام

انجنیر عبدالبصیر (لشکری)